



# خانه مهدی علیه السلام کجاست؟

خدایم را سلیمان

میلیونها انسان عاشق و شیفته  
صدها سال است که در هر پگاه آدینه  
سخن به ندبه می‌گشایند و این‌گونه  
می‌سرایند:

«لَيْتَ شِعْرِي آيِنِ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى بَلَى  
أَيُّ أَرْضٍ تُقَلِّكُ أَوْ تُرِي: أَيَرْضَوِي أَوْ غَيْرِهَا أَمْ  
ذِي طَوِي؟ عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرِي؛  
ای کاش می‌دانستم در چه جایی منزل  
گرفته‌ای و چه سرزمین و مکانی تو را  
در برگرفته است! آیا در کوه رضوایی و  
یا جای دیگری و یا در ذی طوی  
هستی؟ دشوار است بر من که مردمان

پنهان زیستی حضرت مهدی علیه السلام  
نه تنها چگونگی زندگی آن حضرت را  
در حاله‌ای از اسرار فرو برده که  
بسیاری از موضوعات مربوط به  
حیات آن حضرت را نیز جزو امور  
پنهان نظام هستی قرار داده است.

یکی از مهم‌ترین این امور پنهان،  
محل زندگی آن حضرت در طول  
غیبت ایشان است. از این رو بسیاری  
علاقه‌مندند بدانند آن خورشید پنهان  
در کدامین بخش از این کره خاکی به  
گذران عمر می‌پردازد و به بیان دیگر  
کدامین قسمت از زمین افتخار این  
منزلت را دارد.

را ببینم و تو دیده نشوی.»

حال برای روشن شدن این موضوع، پای به گلستان کلام معصومین علیهم السلام می‌گشاییم و با سیری در کلام نورانی ایشان از آن انقباس قدسی برای حل این معما استمداد می‌طلبیم.

با یک نگاه کلی در این بوستان پرطراوت به چهار دسته روایت در این موضوع برمی‌خوریم که هر یک، محل زندگی آن حضرت را در دوره‌ای از حیات پربرکت ایشان به تصویر کشیده است، اگرچه برای برخی دوره‌ها صراحت و روشنی بیشتری وجود دارد و برخی از دوره‌ها بنابر عللی به اجمال و ابهام پاسخ داده شده است. این دوره‌ها عبارتند از:

۱. دوران زندگی با پدر بزرگوار خود امام حسن عسکری علیه السلام (۲۵۵-۲۶۰ ق)

شکی نیست که آن امام همام در شهر سامرا و در خانه پدرش امام حسن عسکری علیه السلام دیده به جهان گشود و تا پایان عمر شریف پدر خود در کنار آن حضرت می‌زیست.

این دوران بنابر قول مشهور از

نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری آغاز و در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ ق. پایان یافت.

علاوه بر نقل موثق تاریخی، افراد فراوانی از این حادثه بزرگ پرده برداشته‌اند:

شیخ صدوق رحمته الله در کتاب شریف «کمال الدین و تمام النعمه» - که یکی از مهم‌ترین کتابهای نگاشته شده در موضوع مهدویت است - داستان ولادت حضرت مهدی علیه السلام را این‌گونه نقل کرده است:

«حکسیمه، دختر امام جواد علیه السلام گوید: امام حسن عسکری علیه السلام مرا نزد خود فراخواند و فرمود: ای عمه! امشب افطار نزد ما باش که شب نیمه شعبان است و خدای متعال امشب حجت خود را که حجت او بر روی زمین است ظاهر سازد. گوید: گفتم: مادر او کیست؟ فرمود: نرجس، گفتم: فدای شما شوم اثری در او نیست، فرمود: همین است که به تو می‌گویم، گوید: آمدم و چون سلام کردم و نشستم نرجس آمد کفش مرا بردارد و گفت: ای بانوی من و بانوی خاندانم،

حالتان چطور است؟ گفتم: تو بانوی من و بانوی خاندان من هستی، گوید: از کلام من ناخرسند شد و گفت: ای عمه جان! این چه فرمایشی است؟ گوید: بدو گفتم: ای دختر جان! خدای متعال امشب به تو فرزندی عطا فرماید که در دنیا و آخرت آقا است...<sup>۱</sup>

آن گاه به صورت مفصل داستان را ذکر کرده است. این روایت از مهم ترین روایات درباره ولادت حضرت مهدی علیه السلام است و دلالت بر ولادت حضرت مهدی علیه السلام در خانه امام عسکری علیه السلام در سامرا دارد.

«ضوء ابن علی» از مردی از اهل فارس که نامش را برده نقل می کند که:

«به سامرا آمدم و به در خانه امام حسن عسکری علیه السلام ملازم شدم.

حضرت مرا طلبید، من وارد شدم و سلام کردم. فرمود: برای چه آمده ای؟

عرض کردم: برای اشتیاقی که به خدمت شما داشتم. فرمود: پس دربان

ما باش. من همراه خادمان، در خانه حضرت بودم، گاهی می رفتم هرچه

احتیاج داشتند از بازار می خریدم و زمانی که در خانه، مردها بودند، بدون

اجازه وارد می شدم.

روزی [بدون اجازه] بر حضرت وارد شدم و او در اتاق مردها بود. ناگاه در اتاق حرکت و صدایی شنیدم، پس فریاد زد: بایست. حرکت مکن! من جرأت در آمدن و بیرون رفتن نداشتم، پس کنیزکی که چیز سرپوشیده ای همراه داشت از نزد من گذشت. آنگاه مرا صدا زد که در آی، من وارد شدم و کنیز را هم صدا زد. کنیز نزد حضرت بازگشت. حضرت به او فرمود: از آنچه همراه داری روپوش بردار، کنیز از روی کودکی سفید و نیکو روی پرده برداشت و خود حضرت روی شکم کودک را باز کرد، دیدم موی سبز که به سیاهی آمیخته بود از زیر گلو تا نافش روئیده است. پس فرمود: این است صاحب شما و به کنیز امر فرمود که او را ببرد.

پس من آن کودک را ندیدم، تا امام حسن عسکری علیه السلام وفات کرد.<sup>۲</sup>

۱. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ترجمه منصور پهلوان، ج ۲، ص ۱۴۳.

۲. اصول کافی، شیخ کلینی، ترجمه سید جواد مصطفوی، ج ۲، ص ۱۱۹.

شد و من بدو نگرستم. پس به من فرمود: ای یعقوب! به داخل بیت برو و ببین آنجا کیست. من داخل شدم اما کسی را ندیدم.<sup>۱</sup>

همچنین «احمد بن اسحاق»

گوید:

«بر امام حسن عسکری علیه السلام وارد شدم و می‌خواستم از جانشین پس از وی پرسش کنم. او آغاز سخن کرد و فرمود: ای احمد بن اسحاق خدای متعال از زمان آدم علیه السلام زمین را خالی از حجت نگذاشته است و تا روز قیامت نیز خالی از حجت نخواهد گذاشت. به واسطه اوست که بلا را از اهل زمین دفع می‌کند و به خاطر اوست که باران می‌فرستد و برکتهای زمین را بیرون می‌آورد.»

گوید: گفتم: ای فرزند رسول خدا، امام و جانشین پس از شما کیست؟ حضرت شتابان برخاست و داخل خانه شد و سپس برگشت در حالی که بر شانه‌اش کودکی سه ساله بود که صورتش مانند ماه شب چهارده

نه تنها بستگان نزدیک و خدمتگزاران بیت امامت، آن حضرت را در شهر سامرا و در خانه امام عسکری علیه السلام دیده‌اند که بسیاری از یاران و خواص اصحاب امامت به شرف دیدار آن جمال چون آفتاب نائل آمده‌اند و همگی حکایت از مدعای زندگی امام مهدی علیه السلام در کنار پدر در شهر سامرا دارد.

«یعقوب بن منقوش» گوید:

«بر امام حسن عسکری علیه السلام وارد شدم و او بر سکویی در سراننشسته بود و سمت راست او اتافی بود که پرده‌های آن آویخته بود. گفتم: ای آقای من صاحب الامر کیست؟ فرمود: پرده را بردار. پرده را بالا زدم، پس برچه‌ای به قامت پنج و جب بیرون آمد با پیشانی درخشان و رویی سپید و چشمانی دُرّافشان و دو کف ستبر و دو زانوی برگشته. خالی برگونه راستش و گیسوانی بر سرش بود. آمد و بر زانوی پدرش ابو محمد نشست. آنگاه به من فرمود: این صاحب شماس است. سپس برخاست و امام بدو گفت: پسر! تا وقت معلوم داخل شو و او داخل اتاق

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۶۴.

دیگر تردیدی نخواهد ماند بر اینکه حضرت مهدی علیه السلام در طول حیات امام عسکری علیه السلام همراه ایشان و در شهر سامرا مسکن و مأوی داشته‌اند و اگرچه در این دوران نیز مخفیانه زندگی می‌کرده‌اند ولی عده فراوانی از نزدیکان و شیعیان ایشان را دیده‌اند.

۲. دوران غیبت صغری (۲۶۰ -

۳۲۹ ق)

غیبت صغری عبارت است از دوران پنهان زیستی کوتاه مدت حضرت مهدی علیه السلام که طبق نظر مشهور با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام (سال ۲۶۰ ق) آغاز شده و با رحلت چهارمین نایب خاص آن بزرگوار (سال ۳۲۹ ق) به پایان رسیده است که مجموعاً ۶۹ سال می‌شود.

اگر چه به روشنی محل زندگی آن حضرت در این دوران مشخص نیست ولی از روایات و قرائن به دست می‌آید که این مدت را حضرت عمدتاً در دو منطقه سپری کرده‌اند: یکی منطقه عراق و دیگر مدینه منوره که البته

می‌درخشید. فرمود: ای احمد بن اسحاق! اگر نزد خدای متعال و حاجتهای او گرامی نبودی این فرزند را به تو نمی‌نمودم. او همنام و هم کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله است. کسی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد.

ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت، مثل خضر و ذوالقرنین است. او غیبتی طولانی خواهد داشت که هیچ کس در آن نجات نمی‌یابد، مگر کسی که خدای متعال او را در اعتقاد به امامت ثابت بدارد و در دعا به تعجیل فرج موفق سازد.

احمد بن اسحاق گوید: گفتم: ای مولای من! آیا نشانه‌ای هست که قلبم بدان اطمینان یابد؟ آن کودک به زبان عربی فصیح به سخن درآمد و فرمود: *أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَغْدَائِهِ*. ای احمد بن اسحاق! پس از مشاهده جستجوی نشانه مکن. احمد بن اسحاق گوید: من شاد و خرم بیرون آمدم.<sup>۱</sup>

بنابر روایات فوق و ده‌ها روایت

۱. همان، ج ۲، ص ۸۰.

روایات متعددی بر این مطلب دلالت دارد.

از امام صادق علیه السلام در این زمینه نقل شده است که فرمود:

«السُّنَّاتُ مِمَّ غَيَّبْتَانِ إِخْدَاهُمَا قَصِيْرَةٌ وَالْآخِرَى طَوِيْلَةٌ. الْغَيْبَةُ الْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ شِيعَتِهِ وَالْآخِرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِبِهِ؛<sup>۱</sup> برای حضرت قائم علیه السلام دو غیبت است: یکی کوتاه و دیگری طولانی. در غیبت اوّل جز شیعیان مخصوص از جای آن حضرت خبر ندارند و در غیبت دیگر جز دوستان مخصوصش از جای او خبر ندارند.»

در دوران غیبت صغری، از سفیران چهارگانه (نواب خاص) کسی نزدیک‌تر به آن حضرت ذکر نشده است و ایشان هم تماماً در عراق بودند و همواره با حضرت در ارتباط بوده‌اند و توقیعات فراوانی از طرف حضرت به دست آنها شرف صدور یافته است. بنابراین می‌توان گفت بخشی از عمر آن حضرت در این دوران در عراق سپری شده است.

دسته‌ای دیگر از روایات به صورت

مطلق (بدون در نظر گرفتن صغری و کبری بودن غیبت) زندگی حضرت را در دوران غیبت در مدینه منوره ذکر کرده‌اند که با توجه به روایات دسته نخست می‌توان گفت بخشی از عمر آن حضرت نیز در مدینه سپری شده است.

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:  
«الْأَبَدُ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ عَزَلَةٍ...  
وَيَنْعَمُ الْمَنْزِلُ طَيِّبَةً؛<sup>۲</sup> به ناگزیر برای صاحب این امر عزلت و گوشه‌گیری خواهد بود... و طیبه «مدینه» چه منزلگاه خوبی است.»

همین روایت در کتاب شریف کافی با اندک تفاوتی از امام صادق علیه السلام این‌گونه روایت شده است:

«الْأَبَدُ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ وَلَا بَدَّ لَهُ فِي غَيْبَتِهِ مِنْ عَزَلَةٍ وَيَنْعَمُ الْمَنْزِلُ الطَّيِّبَةَ؛<sup>۳</sup> به ناچار صاحب الامر غیبت کند و به ناچار در زمان غیبتش گوشه‌گیری کند، چه خوب منزلی است مدینه.»

همچنین ابوهاشم جعفری می‌گوید:

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴۱.
۲. شیخ طوسی، کتاب الغیبة، ص ۱۶۲.
۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴۰؛ غیبت نعمانی، ابن ابی زینب، ص ۱۸۸.

حضرت مهدی علیه السلام در این دوران به کمال می‌رسد و نیابت و سفارت همانند دوران غیبت صغری و وجود ندارد، محل زندگی آن حضرت نیز نامشخص تر می‌شود و در این دوران است که هرگز به طور قطع نمی‌توان مشخص نمود آن حضرت در کجا زندگی می‌کند. البته روایات در این باره به محلهای مختلفی اشاره کرده‌اند که برخی از آنها از این قرارند:

#### الف) مدینه طیبه

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد برخی از روایات به صورت عام و بدون قید زمان غیبت صغری، مدینه را به عنوان جایگاه آن حضرت در دوران غیبت مورد اشاره قرار داده‌اند.

#### ب) ناحیه ذی طوی

ناحیه ذی طوی در یک فرسخی مکه و داخل حرم قرار دارد و از آنجا خانه‌های مکه دیده می‌شود. برخی از روایات آن محل را به عنوان جایگاه حضرت مهدی علیه السلام در دوران غیبت معین کرده‌اند.

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

«به امام عسکری علیه السلام عرض کردم: بزرگواری شما مانع می‌شود تا از شما پرسش نمایم، پس اجازه بفرمایید سؤالی بپرسم. حضرت فرمود: بپرس. عرض کردم: ای آقای من! آیا فرزندی دارید؟ فرمود: بله. گفتم: اگر اتفاقی رخ داد کجا او را پیدا کنیم؟ پس فرمود: در مدینه.»<sup>۱</sup>

بنابراین جمع بین دو دسته روایات به این صورت است که آن حضرت در مدینه حضور داشته‌اند؛ ولی به خاطر ارتباطی که آن حضرت بانواب خاص داشته‌اند بخشی از عمر خود را در عراق سپری نموده‌اند.

### ۳. دوران غیبت کبری

اصطلاحاً غیبت کبری به مدت زمان پنهان زیستی حضرت مهدی علیه السلام گفته می‌شود که با وفات آخرین نایب خاص در سال ۳۲۹ ق آغاز و همچنان ادامه دارد و تنها خداوند متعال است که پایان آن را می‌داند.

این دوران ویژگیهای خاصی دارد که آن را از دوران غیبت صغری کاملاً متمایز می‌سازد. که از جمله آن ویژگیها کامل شدن غیبت آن حضرت است.

به همان اندازه که پنهان‌زیستی

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۸؛ الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۴۸؛ کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۳۲.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که وقتی شباهتهای حضرت مهدی علیه السلام به انبیا را بیان نمودند چنین فرمودند: «وَأَمَّا شَبَهُهُ مِنْ عِيسَى فَالْسِّيَاحَةُ؛<sup>۲</sup> و اما شباهت حضرت مهدی علیه السلام به حضرت عیسی علیه السلام جهانگردی [و نداشتن مکانی خاص] است.»

همچنین چنانچه پذیریم آنچه به نام شیخ مفید صادر شده، تویع حضرت مهدی علیه السلام است، در آنجا نیز به نامعلوم بودن مکان حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده است.

در آن نوشته چنین بیان شده است: «وَأَنَّ كُنَّا نَأْوِيَنَّ بِمَكَانِنَا التَّائِيَّ عَنِ الْمَسَاكِينِ الظَّالِمِينَ حَسَبِ الَّذِي أَرَادَهُ اللَّهُ لَنَا مِنَ الصَّلَاحِ لِشِبَهَتِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ مَا دَامَتْ دَوْلَةُ الدُّنْيَا لِنَفْسِيقِينَ؛<sup>۴</sup> با اینکه ما بر اساس فرمان خداوند و صلاح واقعی ما و شیعیان مؤمنان تا زمانی که حکومت در دنیا در اختیار ستمگران است در نقطه‌ای دور و پنهان از دیده‌ها به سر می‌بریم.»

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۸۱.

۲. همان، ص ۳۱۵.

۳. دلایل امامه، طبری، ص ۲۹۱.

۴. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

«يَكُونُ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فِي بَعْضِ هَذِهِ الشُّعَابِ وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى نَاحِيَةِ ذِي طُوًى؛<sup>۱</sup> صاحب این امر را در برخی از این دره‌ها غیبتی است و با دست خود به ناحیه ذی طوی - که نام کوهی است در اطراف مکه - اشاره نمود.»

در برخی دیگر از روایات نیز ذکر شده که حضرت مهدی علیه السلام قبل از ظهور در «ذی طوی» به سر می‌برد و آن گاه که اراده الهی بر ظهور آن حضرت تعلق گیرد از آنجا وارد مسجد الحرام می‌شود.

امام باقر علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «إِنَّ الْقَائِمَ يَهْبِطُ مِنْ تَنْبَةِ ذِي طُوًى فِي عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا حَتَّى يَسْنِدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجْرِ الْأَسْوَدِ وَيَهْتَرُ رَأْيَةَ الْعَالِيَةِ؛<sup>۲</sup> قائم علیه السلام در میان گروهی به شمار اهل بدر - سیصد و سیزده تن - از گردنه ذی طوی پایین می‌آید تا آنکه پشت خود را به حجر الاسود تکیه می‌دهد و پرچم پیروز را به اهتزاز درمی‌آورد.»

### ج) دشتهای و بیابانها

از برخی روایات نیز استفاده می‌شود که آن حضرت در طول غیبت کبری محل خاصی ندارد و همواره در سفر به سر می‌برد.



پرفراز و فرود این اعتقاد رخ نموده است، ولی همواره روشنگران این مذهب حق مردم را از لغزش در این بیراهه‌ها برحذر داشته‌اند.

#### ۴. دوران ظهور و حکومت مهدی علیه السلام

دوران ظهور که درخشان‌ترین فراز تاریخ و بهترین دوران حیات انسانی است، ویژگیهای فراوانی دارد که از جمله مهم‌ترین آنها حاکمیت آخرین معصوم و حجت الهی است. درباره محل زندگی حضرت مهدی علیه السلام و حکومت آن حضرت در عصر ظهور، روایات فراوانی وجود دارد. عمدتاً در این روایات، مسجد سهله را منزل آن حضرت و شهر کوفه را به عنوان پایگاه حکومتی آن حضرت معرفی کرده‌اند.

مسجد سهله شرافتی بسیار دارد؛ از جمله در روایات ذکر شده که در این مسجد، هزاران پیامبر به نماز ایستاده‌اند.

«صالح بن ابوالاسود» گوید:

«امام صادق علیه السلام سخن از مسجد سهله راند. آنگاه فرمود: **أَمَّا إِنَّهُ مَسْرُوكٌ ضَا حِينًا إِذَا قَامَ بِأَهْلِهِ؛** <sup>۲</sup> به درستی که مسجد سهله منزل

همچنین در پاره‌ای از ملاقاتهای معتبر که در دوران غیبت کبری نقل شده است، حضرت به این نکته اشاره فرموده‌اند.

«علی بن ابراهیم بن مهزیار» پس از نقل ملاقات خود با حضرت مهدی علیه السلام به نقل از ایشان چنین می‌گوید: آن حضرت فرمود:

«يَا بْنَ الْمَازِيَارِ أَيُّ أَبِي مُحَمَّدٍ عَهْدَ إِلَيَّ أَلَّا أَجَاوِرَ قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ... وَأَمَرَنِي أَلَّا أَسْكُنَ مِنَ الْجِبَالِ إِلَّا وَعَرَهَا وَلَا مِنَ الْبِلَادِ إِلَّا قَفَرَهَا؛<sup>۱</sup> همانا پدرم ابو محمد با من عهد فرمود که در مجاورت قومی که خداوند بر آنان غضب کرده است قرار نگیرم... و به من فرمود که در کوهها ساکن نشوم مگر قسمتهای سخت و پنهان آن و در شهرها ساکن نشوم مگر شهرهای متروکه و بی آب و علف.»

این نامعلوم بودن محل زندگی آن حضرت در دوران غیبت کبری سبب شده تا عده‌ای به گمانه‌زنیهایی بعضاً سست و واهی بپردازند و به طرح محلهایی که اثبات آنها کاری بس مشکل است روی آورند.

افسانه جزیره خضرا یا مثلث برمودا و مانند آن حکایتهایی است که در تاریخ

۱. کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۶۳.

۲. التهذیب، شیخ صدوق، ج ۳، ص ۲۵۲.

صاحب ماست آنگاه که [پس از قیام] با اهل خود در آنجا فرود آید.»

همچنین آن حضرت به ابابصیر فرمود:

«يَا أَبَا مُحَمَّدٍ كَأَنِّي أَرَى تُزْوَلَ الْقَائِمُ فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ بِأَهْلِهِ وَعِيَالِهِ؛ أَي ابَا مُحَمَّد، گویا حضرت قائم را در مسجد سهله می بینم که با زن و فرزندان در آن نازل می شوند.»

ابوبصیر پرسید: آیا مسجد سهله خانه اش خواهد بود؟ حضرت فرمود:

«نَعَمْ، هُوَ مَنْزِلٌ إِدْرِيسَ وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَقَدْ صَلَّى فِيهِ وَالْمُقِيمُ فِيهِ كَالْمُقِيمِ فِي قُنُطَاطِ رَسُولِ اللَّهِ وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِلَّا وَقَلْبُهُ يَجُزُّ إِلَيْهِ وَمَا مِنْ يَوْمٍ وَلَا لَيْلَةٍ إِلَّا وَالْمَلَائِكَةُ يَأْتُونَ إِلَى هَذَا الْمَسْجِدِ يَعْبُدُونَ اللَّهَ؛<sup>۱</sup> آری، این مسجد، منزل ادريس است. خداوند هیچ پیامبری را بر نینگیخت، مگر آنکه در این مسجد نماز گزارد. هر کس در این مسجد بماند مانند آن است که در خیمه رسول خدا ﷺ اقامت کرده است. هیچ مرد و زن مؤمنی نیست، مگر آنکه دلش به سوی آن مسجد پرمی کشد. روز و شبی نیست مگر آنکه فرشتگان به این مسجد پناه می برند و در آن به عبادت خدا می پردازند.»

همان طور که اشاره شد، کوفه نیز مرکز حکومت مهدی علیه السلام قلمداد شده است.

چگونگی زندگی در عصر ظهور به روشنی مشخص نشده ولی به نظر می رسد تفاوت بسیاری با نحوه زندگی امروزی داشته باشد. تکامل علوم بشری، کمال عقلانی بشر، توسعه خارق العاده امکانات و رفاه عمومی، امنیت فراگیر بر کل کره زمین و... به طور قطع، ویژگیهایی را برای زندگی در آن زمان ایجاد خواهد نمود که امروز درک دقیق آن برای ماکاری بس مشکل است.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که در بخشی از یک روایت طولانی فرمود:

«لَمَّا يَتَوَجَّهْ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَنْزِلُهَا وَتَكُونُ دَارَهُ؛<sup>۲</sup> آن گاه [حضرت مهدی علیه السلام] به سوی کوفه می رود پس آنجا را برای منزل برمی گزیند و کوفه خانه او خواهد بود.»

و در پایان سخن دل را اینگونه می سزاییم:

آن سفر کرده که صد قافله دل همزه اوست  
هر کجا هست خدایا به سلامت دارش

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۱۷.

۲. کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ص ۴۷۵.